

## در پیشگاه پاسخ به مردم

(به یاد ۵۹ نفر اعدام شدگان خرداد ۶۲ مهاباد)

۱۲ خرداد ماه سال ۶۲ جمهوری اسلامی ۵۹ نفر از زندانیان سیاسی را در شهر مهاباد به جوخه اعدام سپرد. این تصفیه خونین و این انتقام گیری و زهر چشم گرفتن از مردم کردستان را جناب "دکتر" جلاتی پور فرماندار وقت جمهوری اسلامی در شهر مهاباد رهبری و سازماندهی کردند. آنوقتها رژیم جناب دکتر فعلی هنوز دوران



ایرج فرزاد

نقش کارگران  
کمیونیست در  
مبارزات جاری

صفحه ۲

رژیم یوم الله

صفحه ۳

پاسخ به یک

پرسش

صفحه ۴

مستقیم خود در کشتار ۵۹ زندانی سیاسی در سال ۶۲ با وقاحت یک پاسدار و یک رهرو مومن "امام" به دفاع برخیزد. قرار بود درکنفرانس برلین عده‌ای پاسدار و مامور اعدام و تیر خلاص را بعنوان "دگر اندیش" و بعنوان نشانه "دمکراسی اسلامی" به دولتهای غربی و دنیای ژورنالیسم نوکر بفروشد. این تلاش ارتجاعی به همت نیروهای آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری به شکست انجامید و کنفرانس برلین روی دستشان ماند. نتوانستند با

صفحه ۲

تحکیم سلطه خود و تثبیت اسلامی کردن جامعه را از سر میگذراند. داشتند هر آنچه را که در جنایت و کشتار و نسل کشی برای تحمیل یک رژیم فاشیسم اسلامی بر مردم ایران در تاریخ معاصر جهان کم نظیر بود، در خون و قتل و قلع و قمع تمرین میکردند. جناب جلاتی پور که اکنون زیر عنوان "استاد دانشگاه" خزیده است و اصلاح همان رژیم جنایت را برای ابقا در دستور گذاشته است، شرمی بخود راه نداد که بعنوان شرکت کننده درکنفرانس برلین از جنایات خود و نقش

## سفر بهداشتی آقایان بهنود و شمس الواعظین

اردبیلی (رئیس قوه قضائیه)، موسوی خوئینی‌ها (دادستان انقلاب)، عباس عبیدی (مدیر قتلگاه اوین) و سپاهه دیگری از همین قماش بر اثر فشار جنبش مردم به اصطلاح دمکرات شدند و تلاش کردند تا جنبش مردم را مهار و به اصطلاح تحت کنترل نظام اسلامی درآورند.

امروز که پرونده دوزخداد در آن شکل و شمایل برای همیشه بسته شده است و بقول خودشان نیروی سوم یعنی جنبش اعتراضی مردم دیگر حتی کهنترین اعتنایی به سوخت‌وسازهای درونی حکومت ندارد، در زمانی که نمایندگان هر دو جناح رژیم رسماً از انفجار قریب‌الوقوع در ایران اظهار نگرانی می‌کنند، در زمانی که جبهه هوادارن خاتمی در خارج یعنی طیف توده‌ای، اکثریتی و جمهوریخواهان ملی دچار سردرگمی و اغتشاش و بحران هویت شده‌اند. آقایان راهی اروپا شده‌اند تا اطمینان خاطر دهند که هنوز قادر به کنترل و مهار مردم به‌جان آمده هستند و اساساً آمده‌اند تا بادی به

صفحه ۳

است! و همراه با همکیشان دیگرشان به مبلغین دو آتشه خاتمی تبدیل شدند. و البته خبر محکومیت ایشان در این اواخر بقول خودشان همانقدر که دیگران را شوکه کرده برای خودشان هم باور نکردنی بوده است.

کارنامه حاج آقا شمس الواعظین که این بار آمده بودند تا بقول خودشان بهداشتی تکلم بفرمایند از این هم سیاهتر است ایشان بنیان گذار کیهان فرهنگی است و سالیان سال از رزمندگان مبارزه علیه تهاجم فرهنگی غرب و مدافع سخت سر قانون و فرهنگ زن ستیز و آزادی ستیز حکومت اسلامی بوده‌اند و البته بعداً بهمراه استاد و مرشدشان حاجی عبدالکریم سروش (رهبر انقلاب فرهنگی در اوج سرکوب دانشگاه‌ها) "تواندیش" دینی شد، ایشان به‌همراه: سیدمحمد خاتمی (وزیر ارشاد در ستاد تبلیغات جنگی)، سعید حجاریان (سازمانده اطلاعات سپاه)، اکبر گنجی (تنورسین سپاه)، موسوی

بهنود فرصت‌طلبی حرفه‌ای است که در زندگیش هرگز و حتی یک لحظه به دیکتاتوری شاه و دیکتاتوری مذهبی در ایران خیانت نکرده است، ایشان خوش‌آمدگویی به حکومت مذهبی در ایران را در اوج کشتارهای سال ۱۳۶۰ و با ساختن فیلم "تار عنکبوت" (نامی برگرفته از آیات قرآن) رسماً آغاز کرد و در تمام شوهای جمع‌شیش در تلویزیونی در این سالهای وحشت همه مخالفین حکومت را فرماسیون و جاسوس خطاب میکرد، البته فعلاً بقول خودشان اساساً روزنامه‌نگار هستند و نقداً یادشان افتاده که بهتر است در سیاست چندان مداخله نفرمایند! ایشان در تمام طول دوران حکومت اسلامی بهرحال قلم زده‌اند و اگر خللی در قلمزنی برایشان پیش آمده از جنس همام خلل‌هایی است که در کار اکثریت و حزب توده ایجاد میشود. با سرکار آمدن خاتمی مدافع دو خرداد شد و گفت که: "دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، یکی از دمکراتیک‌ترین ادوار تاریخ ایران



سیاوش مدرسی

سایت اکثریت با انتشار مطلبی از آدمی به اسم نگاهی که به رسم سنوآت یا پرتاب یک سری اتهام از جمله به حزب کمونیست کارگری ایران و با ریختن آب پاکی بر سر حکومت مذهبی ایران همراه بود سفر این آقایان را خیر مقدم گفت. هیچ سازمان و حزبی اعلام نکرده بود که از برگزاری جلسات جلوگیری خواهد کرد، اما افاضات جناب نگاهی صرفنظر از خود شیرینی برای این دو تن بدلیل سوابق مشعشع این حضرات هم بوده است. مسعود



سردبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm

پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

## نقش کارگران کمونیست در مبارزات جاری (۲)

محمد فضلی

### ۲- دخالتگری در مبارزات جاری

یکی از ملزومات پیشروی و موفقیت در هر مبارزه‌ای، تشخیص شرایط و نحوه ظاهر شدن و دخالتگری در آن است. شرایط و موقعیت مبارزات کنونی، دارای دو ویژگی خاص است. اولاً مردم معترض ایران حکم به رفتن حکومت اسلامی داده‌اند. بیان اینکه، روند سرنگونی جمهوری اسلامی شروع شده، خوشبختانه، به یک امر بدیهی و حقیقتی غیر قابل انکار تبدیل شده است. بعید به نظر می‌رسد کارگری که آهی در بساط ندارد و از عدم اصرار معاش، تضمین جانی و شغلی می‌نالد و در بی‌حقوقی مطلق بسر می‌برد، جوانی که از عدم امکان شکوفائی استعدادش خون جگر می‌خورد و آینده‌ای بغیر از تاریکی در پیش رو ندارد، زنی که به حکم شریعت انور لیل و نهار در عذاب بسر می‌برد و در پی رهائی است و... تردیدی به بقا حکومت اسلام داشته باشد.

ثانیاً احزاب و جریان‌های متفاوت سخت در تلاشند تا بر مبنای پلاتفرمهای خود بر روند اوضاع کنونی تاثیر بگذارند. از طرفی خیل میلیون، "مکراسی" خواهان و مشروطه‌طلبان در جهندن تا با حفظ و حراست از پایه‌های نظام موجود و در سایه "محاسن" بازار آزاد و حمایت دول غربی شرایط را برای سلطنت سرمایه و تن دادن به استثمار و عذاب پستیها "مقبول‌تر" کنند. از سوی دیگر،

حزب کمونیست کارگری به عنوان تنها جریان کمونیست مدعی کسب قدرت قرار دارد. حزبی که برای نفی نظام سرمایه‌داری، دگرگونی در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه، اداره کردن جامعه از طریق اعمال حاکمیت شورائی، ایجاد بنیادی‌ترین تغییرات در زندگی مردم، دفن کردن جهل و خرافه و استقرار جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. کشمکشهای سیاسی و تقابل این دو جنبش متفاوت، سیمای سیاسی آینده ایران را تعیین میکنند. در این میان، سهم‌خواهی کارگر از جامعه، درجه دوری و نزدیکی احزاب و جریان‌های مختلف به مطالبات طبقه کارگر، متد شناخت و برخورد کارگر آگاه و پیشرو به احزاب سیاسی و تقابلهای اجتماعی موجود می‌باشد.

در شرایط فعلی نقش طبقه کارگر و از جمله بخش پیشرو آن، دخالتگری و جهت دادن به اعتراضات جاری است، اعتراضاتی که کلیت رژیم اسلامی را به مصاف طلبیده و از آزادی، رفاه، سعادت و خوشبختی انسان سخن به میان آورده است. شکی نیست که مشقات زندگی، فشار بی حد و حصر اقتصادی، شرایط خفقان و... دامنه عمل فعالین کارگری و رهبران عملی را محدود کرده است. اما، تلاش برای

سازماندهی و هم‌آهنگی مبارزات کارگری بر مبنای خواسته‌های مشترک در سطح محلی و شهرهای مختلف،

شرکت در مبارزات جاری با طرح خواسته‌های مشخص تلاش در جهت هدایت آن، بطرق مختلف اعلام پشتیبانی از اعتراضات کارگری بخشهای دیگر، جلب حمایت مردم معترض از طریق طومار و قطعنامه و آکسیون برای آزادی کارگران زندانی و...، بخشی از ظرفیت بالقوه و عملی پیشروان و فعالین کارگریست. یکی از مطالبات اعتراضات تا کنونی، "باز پرداخت حقوقهای معوقه" و "افزایش دستمزدها" بوده است. شکی نیست که برای تحقق همین حداقل مطالبات مبارزات سختی در جریان بوده و هست. ولی ضروری است در عین تلاش برای کسب ابتدائی‌ترین خواسته‌ها، بدیل و مطالبات واقعی خود را مطرح کنیم. در تجمعات اعتراضی همراه با شعار افزایش دستمزدها، می‌توان "افزایش دستمزدها به نسبت تورم" و "تامین معیشت" را مطرح کرد. در مقابل معضل بیکاری، "بیمه بیکاری مکفی برای کلیه افراد بیکار" و یا همزمان با شعار آزادی زندانیان سیاسی، از "آزادی بدون قید و شرط سیاسی" سخن به میان آورد.

### ۳- اخبار مبارزات و اعتراضات خود را منعکس کنید.

در حال حاضر که مبارزه کارگران برای بهبودی شرایط کار و کسب ابتدائی‌ترین خواست از طرف رژیم سرکوب می‌گردد و کارگران فاقد هر گونه ارگان تبلیغی

هستند، انعکاس مبارزات و اعتراضات کارگری برای جلب پشتیبانی بخشهای مختلف طبقه کارگر و تقویت همبستگی طبقاتی فرا مرزی در جهت حمایت از خواسته‌های کارگران و تحت فشار قرار دادن رژیم، اهمیتی حیاتی دارد. کمپین گسترده حزب کمونیست کارگری برای جلب حمایت بین‌المللی صدها اتحادیه و میلیونها کارگر از اعتصاب کارگران نفت و آزادی محمود صالحی (رهبر سندیکای خبازان شهر سقز) دو نمونه موثر و برجسته الگوی چنین روشی است. ضروریست که فعالین و پیشروان کارگری، اهمیت انعکاس اعتراض و مبارزات جاری را برای همکاران، اعضا خانواده و روابط اجتماعی توضیح داده تا خبر هر نوع اعتراض، دستگیری و مسائل مورد مناقشه کارگران با کارفرمایان را سریعاً به همدیگر برسانند. از طرق مختلف تداوم، گسترش و ایجاد رابطه با شهرهای دیگر و تشکلهای موجود را در دستور گذاشته و آنها را فعالتر و ارتقا داد.

برای منعکس نمودن مسائل و مبارزات کارگری باید از هر امکانی استفاده کرد. هم اکنون "رادیو انترناسیونال"، بعنوان رادیوی حقیقت‌جو و مدافع خواست و مطالبات کارگران و مردمی که در پی سعادت، آزادی و برابری هستند، ابزاری سراسری و قابل دسترس است برای کارگران که می‌توان روزانه اخبار و مسائل کارگری را در سراسر ایران منعکس کرد. پس با رادیو انترناسیونال تماس بگیرید و به مشابه عملی‌ترین و موثرترین ابزار تبلیغاتی در پیشبرد مبارزات جاری آن را بکار گیرید

### رفقای کارگر!

مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد تغییر و بهبودی در شرایط کار و زندگی، تلاش برای دستیابی به شرایطی که بتوان صفوف خود را متحدتر و متشکل‌تر نمود، حقوق صنفی و سیاسی خود را به دولت و سرمایه‌داران تحمیل کرد، سازمانهای قدرتمند کارگری را بوجود آورد، خواسته‌ها و مطالبات خود را به کرسی نشانند، امری دائمی و همیشگی است. تناسب قوای مبارزاتی، درجه سازمانیابی کارگران، پیوند مبارزاتی کارگران کمونیست و رهبران عملی تعیین کننده شکل و شیوه این مبارزه است. آشکار است که در شرایط متحول کنونی ایران، این مبارزه زمانی می‌تواند به پیش رود و دستاوردهای با اهمیت و با دوامی داشته باشد که در زیر پرچم مطالبات و شعارهای فرا صنفی، برای دستیابی به اهداف روشن و کارگری به پیش برده شود و بنحوی متشکل و سازمانیافته و تحت رهبری کارگران آگاه و کمونیست رهبری و هدایت شود. ترجمان عملی چنین تلاشی یعنی متشکل شدن به دور مطالبات طبقه کارگر و مبارزه تحت پرچم برنامه حزب کمونیست کارگری. بالنتیجه، با پیوستن به این حزب، صف متحزب اردوی کار بر علیه سرمایه را تقویت کنید

\*\*\*

به حزب  
کمونیست  
کارگری  
از نظر مالی  
کمک کنید

طلبی یافتند، صلاحیت دفاع از قربانیان کشتارهای جمهوری اسلامی در کردستان و جنایت هولناک اعدام دسته‌جمعی ۱۲ خرداد سال ۶۲ در شهر مهاباد را به فرماندهی جلالی پورها ندارند. □

یک دنیای بهتر،  
برنامه حزب کمونیست  
کارگری را بخوانید!

و کشتار و اعدامهای دسته جمعی، با سنگسار و قصاص و دست و پا بریدن عجین است. کسانیکه هويت سياسي آنها و "شخصيت" شدنشان با دوران عروج کشفيترين و شينعترين جنایات تاريخ معاصر گره خورده است، باید با همان کارنامه قضاوت شوند. نیروهای حاشیه‌ای ناسیونالیسم کرد که امید به جولان گرایش ارتجاعی قوم پرستانه را در همگامی با همان جنایتکاران "دکتر" و "جامعه شناس" شده علیه کمونیسم، آزادیخواهی و برابری

سالهای دهه ۶۰ خوابید و با امید بستن به آنها هر چه را در توان داشتند علیه کمونیسم و آزادیخواهی و مدافعین حقوق مردم کردستان گفتند و نوشتند، انگار اتفاقی نیفتاده باشد به سیاق هويت بازسازی شده خود به چنگ زدن بر احساسات عاطفی مردم روی آوردند و در لباس عزاداران ۵۹ شهید سال ۶۲ به نمایشی مسخره دست زدند. حقیقت این است که تاریخ امثال جلالی پور، و پروژه اصلاح و بازسازی رژیم جمهوری اسلامی، با نسل کشی و قتل

### پاسخ به مردم

حضور هوشیار نیروهای مدافع مردم و منافع آنها، برای جمهوری اسلامی وقت بخزند. همین مشتاقان دیالوگ با قاتلین مردم کردستان در کنار اکثریت و توده‌ایها و جناح خارج کشوری دوزخداد در جایگاه جلالی پورها ایستادند و علیه چپ، آزادیخواهی و مدافعین حقوق مردم قد علم کردند.

اکنون دوران دوباره عوض شده است، مردم جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده‌اند و

## سالگرد مرگ رژیم "یوم‌الله" ها

ایرج فرزاد

این روزها مصادف است با سالروز "ارتحال" خمینی. کسی که همه سران رژیم با تمام جناحهای آن، حتی در بیان اختلافات خود، به او و آثارش و میراثش استناد میکنند. گنجی و حجازریان و شمس‌الواعظین و عبدالکریم سروش و کل طیفهای رنگارنگ دو خرداد، جناح رقیب را به انحراف از ایده‌های "امام" متهم میکنند. ایده‌ها و میراث امام همه این خیل را که تصمیم گرفته‌اند بهرقیمت جمهوری اسلامی را سرپا نگهدارند، تغذیه میکند.

اما واقعا در این "گنجینه" میراث امام چه چیزهایی یافت میشوند؟ از اولین نطقهای او در قم که گفت: "قلم‌ها را بشکنید؟" یا فرمان یورش به مردم کردستان در مرداد ۵۸؟ اعدامهای خرداد ۶۰ یا کمیته سه نفری منتخب او برای قتل عام زندانیان شهریور ۶۷؟ شاید میراث امام تاریخی‌تر از این حرفها باشد؟ منظورشان پیشینه او در ۱۵ خرداد سال ۴۲ است که اعتراض او به "انقلاب سفید" شاه این بود که به تعدادی "زن" وعده داده بود میتوانند نماینده مجلس باشند؟

به چند جمله از سخنرانی خمینی در سال ۶۱ که به مناسبت "یوم‌الله" تولد محمد پیغمبر ایرد کرده است، توجه کنید: "یوم‌الله واقعی روزی است که امیرالمومنین علیه السلام شمشیرش را کشید و خوارج را از اول تا به آخر

دگراندیش و یا غیر آن در قدرت و یا مغضوب، کسی هست که پرونده زندگیش با "یوم‌الله"های جمهوری اسلامی در این ۲۳ سال وصل نبوده باشد؟

جالب این است که برای سالگرد مرگ چنین موجودی که نفرت از انسان و قتل انسان و دست بردن و رجم کردن را "عبادت" در درگاه باریتعالی و عین "رحمت" اسلامی نامیده است، سران ریز و درشت میراث خواران خمینی دارند به یکدیگرهشدار میدهند که مبادا از "راه امام" منحرف شوند!

این ارث و میراث و این تاریخ پر از خون و جنایت را باید به گور سپرد. فلسفه به قدرت رساندن جمهوری اسلامی سرکوب خیزش مردم ایران علیه استبداد سلطنتی بود. مردم بی‌پاخاسته برای آزادی و رفاه را نمیشد جز با شنیع‌ترین کشتارها و نسل کشیها به عقب راند. اکنون پس از ۲۳ سال حاکمیت شمشیر اسلام، پس از ۲۳ سال پر از "یوم‌الله"های اسلامی، مردم بجان آمده از فقر و محرومیت و گرسنگی و اعتیاد و تباهی جسمی و روحی، به میدان آمده‌اند تا با پدیده جمهوری اسلامی با جمهوریت تنیده در اسلامیتاش تصفیه حساب نهائی کنند.

آن طیفی که به امید حفظ جمهور اسلامی، سعی دارند تا به عبث حاکمیت این رژیم جنایتکار را از طریق "اصلاح" آن بر مردم ایقا کنند فقط عوامفریب نیستند. اینها همزاد جمهوری اسلامی و در صف دشمنان مردمند. با بزیر کشیدن رژیم اسلامی پرونده همه جنایات آنرا باید در معرض قضاوت

مردم جهان گذاشت تا آن دولتهای بسیار دمکراتی که تا آخرین لحظات جانب آدمکشان را رها نکردند و علیه منافع مردم ایران ایستادند به افکار عمومی شناسانده شود. این دولتهای راقب که در این لحظات وزیر خارجه‌اش با حجاب اسلامی به دیدار سران یک رژیم جنایتکار میروند، باید انتظار داشته باشند که روزی به مردم ایران حساب پس بدهند. سازمان ملل که با علم به پرونده بیش از دو دهه رژیم اسلامی، در اوج بی مسئولیتی نقض حقوق بشر را در ایران تحت سلطه شمشیر اسلامیا انکار کرد باید فردا به دادخواست مردم ایران جواب بدهند. دولتهای اروپائی که زندگی مردم ایران را تحت رژیم قصاص و سنگسار و آپارتید جنسی "امن" اعلام کردند و صدها پناهجو را در معرض بی خانمانی و آوارگی قرار دادند و به مرز خودکشی و یاس و تباهی کشاندند باید در فردائی نه چندان دور به مردمی که رژیم اسلامی را به گور میسپارند حساب پس بدهند.

اما جمهوری اسلامی فقط رژیم یوم‌الله‌های اسلامی نیست، رژیم آن طیفی از "دگراندیشان" و اپوزیسیون پرو رژیم نیز هست که هیچگاه در تقابل مردم و جنایتکاران اسلامی، تردیدی در دفاع از رژیم بخود راه ندادند و هرچه در توان داشتند علیه چپ، کمونیستها و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بکار بردند. اینها نیز نباید فراموش کنند که بابت این خدمات به کثیفترین رژیمهای جنایتکار تاریخ معاصر باید به مردم ایران، به کارگران و زنان و جوانان این مملکت پاسخگو باشند.

\*\*\*

\*\*\*

### سفر بهداشتی آقایان بهنود و شمس‌الواعظین

بادبان پاره و دیرکی به ستون درهم شکسته کشتی‌نشینان هوادارشان در خارج باشند و البته با شعار مدافعین اجرای تام و تمام قانون اساسی-اسلامی موجود!

اما مشکل این است که خود این حضرات به اتفاق رئیس جمهور و روزنامه‌نگاران مستقل از قماش همین حاج آقا و بچه‌مچه‌هایشان در سپاه و اطلاعات و جبهه‌ها و داروستانه‌های حکومتیشان در بیت رهبر و کاخ جناب رفسنجانی و حوزه علمیه قم در بحران تمام کارشان بالویر میزنند. شاید تنها راه نجات آنها همین تز اجرای قانون اسلامی باشد که این حضرات جار میزنند و البته هردو سو و جناح حاکمیت در ایران تاکنون تا آنجا که توانست‌اند و تیغشان بریده دریخ نکرده‌اند، مشکل این است که بهداشتی و یا غیر بهداشتی اجرای قوانین اسلامی تا کون چیزی عایدشان نکرده است. ایران در آستانه تحولات جدی و اساسی است، تحولاتی که در اولین گامش بساط حکومت اسلامی را برخواهد چید.

برلین ۲۹ ماه مه ۲۰۰۲

### اعتراض دانشجویان دانشکده علوم پزشکی

#### سندج علیه تبعیض و اجحافات در دانشگاه

دانشکده پزشکی به دلیل عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان، روز شنبه ۱۱ خرداد مدت تعطیل کردن کلاسهای درس را به ۲ ساعت افزایش دادند و در عین حال اعلام کردند که چنانچه به خواسته‌هایشان جواب داده نشود،

تحصیلی محروم شده اند و وام پرداخت شده به بخش دیگر هم بسیار کم بوده است. آنها در عین حال خواهان پایان دادن به تبعیض و حق کشی ای بوده اند که از جانب مسئولین و کاربدستان دانشگاه نسبت به آنها اعمال میشود. دانشجویان

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۸ و ۹ خرداد دانشجویان دانشکده پزشکی شهر سندج به مدت یک ساعت کلاسهای درس خود را تعطیل کردند. دلیل این اعتراض این بوده که بخشی از دانشجویان از گرفتن وام

متحدانه از اعتراض دانشجویان میتوانست مستولان رژیم را وادار به عقب نشینی کند.

### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ خرداد ۸۱  
۱ ژوئیه ۲۰۰۲

دانشکده را کلا به تعطیلی خواهند کشاند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از خواسته‌های برحق دانشجویان دانشجوین، دانش‌آموزان، معلمان و مردم مبارز سندج، و شهرهای دیگر را فرا میخواند که از مبارزه دانشجویان علوم پزشکی دفاع کنند و به صف اعتراضی آنان بپیوندند. بی‌شک پشتیبانی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## در پاسخ به یک پرسش



عبدالله شریفی

و به عنوان فرد در رابطه اقتصادی و به تبع آن سیاسی و فرهنگی تنزل مییابد. مکانهای اقتصادی و سیاسی مبنای تعریف رابطه انسانها میشود. بوروکراسی، تقسیم کار و نقش و جایگاه انسانها در پروسه تولید و سود آوری و مکانیسمهای قدرت برای حفظ این نظام، محور اساسی برای تعریف "انسانها" میباشد.

انسانها نه بر هویت خود بلکه محل انسانی تولید کننده ثروت و صاحب ثروت، سلسله مراتب اداری، بالا و پایین جامعه، فرودست و بالا دست و ... تعریف میشوند. شما مهندس، شما سرلشکر، شما آیت الله از مزایای ویژه جایگاه <ب> والای خود برخوردارید. شما کارگر، شما زنان، شما کودکان هم باید جایگاه خود <ب> را در پایین سلسله مراتب اجتماعی بشناسید و توقع خود را بر آن محور تنظیم کنید! القاب، مهر موقعیت ها را در کل پروسه سود آوری و حراست از بنیادهای نظام سرمایه، تا زمانی که در آن عرصه حضور دارد، تا زمانی که در آن پست فعالیت دارند، بر انسانها میزند. تصادفی نیست که بازنشستگان مقامات پایین تر، که از امکانات مادی خوبی برخوردار نیستند به سرعت از "اعتبار" ساقط میشوند و عملا به سطح مردم عادی رانده میشوند. استفاده از القاب کشوری و لشکری و یا حتی علمی و دینی، رسمیت دادن به تبعیض و کشاندن این تبعیض به گوشه و زوایای زندگی مردم است. در مقابل جناب سرهنگ نباید حرف زد، او اسقف و یا آخوند است و نباید روی حرفش چیزی گفت، مهندس بهتر میداند و همیشه حق با او است و ... زبان انتقاد مردم را با این خرافات میندند. حق ها را تعریف میکنند. تجاوز به مرز "اعتبار" مقامات جرم محسوب میشود، در کشورهای دیکتاتوری و مستبد بی احترامی به اعلیحضرت، امام، قاید و ... جرم مجازات سنگین دارد. در کشورهای غربی، انسانها را به <ب> عنوان افراد در موقعیت های اقتصادی و سیاسی نگه میدارند، آنها را مرعوب و سرکوب میکنند و

قانون و اجرائیات برایش میسازند. صاحب منصبان با چنگ و دندان با توطئه و رشوه با ترور و دسیسه سعی میکنند که مقام خود را از دست ندهند. دامنه بیرحمی نه تنها به توده پایین بلکه بعضا دامن رقبای همدیگر را نیز میگیرد.

همین حالا برای اهداف زمینی معلوم در برخی از کشورهای اسلام زده ثروتمندان برای کسب لقب "حاجی" بودن گاهی حتی بدون کمترین اعتقاد به حج میروند. این مساله، در سطح فرهنگی و سنن و معاشرت و مراوده مردم با هم نیز ابعاد گسترده ای دارد. در خانه و محل کار در خیابان و کوچه هم مردم از شر این فرهنگ نابرابر راحت نیستند. کودک در خانه آزاد نیست، وادار میشود جلو بزرگترها بلند شود. حق اظهار نظر و یا اعتراض به والدین بی احترامی تلقی میشود. بله قربان گویی از همان دوران به او حقه میشود. مجانی به دست عزیزان خود سرکوب شده و سرزیر پا به عرصه جامعه میگذارد. زنان در چنین فرهنگی از همان دوران کودکی یاد میگیرند که زجرکش باشند. در دوران کودکی موجودی وابسته به پدر و در دوران بزرگسالی با القابی نظیر زن دایی زن عمو زن داداش و ... باز نه به عنوان انسانی مستقل بلکه بعنوان مایملک مرد شناخته میشود. بی حقوقی را با مذهب و فرهنگ و سنن به جزئی از زندگیشان تبدیل میکنند. میخواهند کارگر و

ملی-اسلامی هم خود نه تنها نقدی به این موازنه ندارد، بلکه با رنگ و لعاب "روشنفکرانه" در خدمت بقا این فرهنگ کوشیده است. پس حق دارند بنالند و از نوع جدید کمونیسم ما متحیر شوند.

چسپاندن القاب و صفتهای ریاکارانه، ربطی به احترام ندارد. در فرهنگ اسلامی، جمهوری "مکرمه"، "معظمه" هم میگویند اما کمترین احترام و حقوق برای زنان برسمیت نمیشناسند. در این فرهنگ، عشق با سنگسار جواب میگیرد و "بد حجابی" را با اسید و تیغ پاسخ میدهند. به مردم میگویند به هم آقا و خانم بگویید و علاوه بر آن ما را تیمسار و سردار و سرهنگ و آیت الله و ... بنامید. مردمی که از پست خاصی برخوردار نیستند را ظاهرا خانم و آقا لقب میدهند تا القاب دولتی هم نیز مشروعیت یابد. اکنون در <ب> اکثر کشورهای اروپا مردم همدیگر را بدون استفاده از القاب و پسوند و پیشوند فقط با اسم کوچک و یا نام خانودگی صدا میزنند. و کسی احساس بی حرمتی هم نمیکند. این سنت در نیمه اول قرن گذشته بعد از انقلاب اکتبر و در جریان مبارزات طبقه کارگر و مردم ستمدیده برای تغییر زندگیشان در طول سالیان دراز به ثبت رسیده است. احترام و بی احترامی قلمرو دیگری است. برسمیت شناختن <ب> شخصیت فردی هر انسان و مخاطب قرار

دادن او <ب> با اسم خودش علیرغم سن و سال و جنس و شغل و ... مبنای احترام متقابل است. مفهوم احترام هم بنا به تعریف سرمایه دارانه مفهومی است برای تمکین به مناسبات حاکم و پذیرش دسته بندی انسانها در رابطه موقعیت اقتصادی و سیاسی آنها. احترام به انسان، قبول کردن انسان و مشخصات او، احساسات و استعداد او، پذیرفتن تنوع او در برابر پدیدههای گوناگون، ایجاد امکان و فراهم کردن شرایط برای آزادی کامل او میباشد. <ب> کنار گذاشتن استفاده از القاب در سطحی، زمینه را برای برابر کردن انسانها فراهم میکند. ضربه ای است به "احترام" دروغین به منصب و مقامات بالای سر مردم، گرفتن امتیازات به نفع مردم از پایین و کل جامعه است. با لغو استمطر طبقاتی و پایان بردگی مزدی و تقسیم برابر امکانات برای همه، میتوان احترام واقعی را به انسان بوجود آورد. بیحرمتی به انسانیت را پایان بخشید. تنها در جامعه ای سوسیالیستی که لغو کار مزدی، <ب> لغو مالکیت بورژوازی، برابری کامل زن و مرد، انتخابی بودن و قابل عزل <ب> بودن تمام مسئولیت ها، لغو ارتش و تمام نهادهای حرفه ای مسلح و <ب> ... در نظامی که مردم از پایین خود قانونگذار و خود مجری قانون هستند، احترام واقعی به انسان ممکن و میسر میگردد. مه ۲۰۰۲



### از سایت روزنه دیدن کنید!

www.rowzane.com

در سایت روزنه میتوانید نشریات و اطلاعاتی های سازمان های سیاسی، مقالات متعددی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و گزیده ای از مطالب نشریات چاپ ایران را مطالعه کنید. از طریق سایت روزنه میتوانید به

سایت کلیه احزاب و سازمان های اپوزیسیون، به رادیوهای فارسی زبان، و به نشریات چاپ ایران دسترسی پیدا کنید.

مطالب، اطلاعاتی ها و

نظراتتان را برای روزنه

rowzane@yahoo.com

بفرستید.